

کرامت انسانی از دیدگاه قرآن و روایات/ کرامت ذاتی و اکتسابی

حجت الاسلام عبداللّهی گفت: کرامت ذاتی خاص همه انسانهاست و همه از یک مرتبه وجودی خاصی برخوردارند اما غیر از کرامت ذاتی عام، انسان می تواند با اختیار خودش کرامت افزوده ای برای خود کسب کند.

حجت الاسلام عبداللّهی گفت: کرامت ذاتی خاص همه انسانهاست و همه از یک مرتبه وجودی خاصی برخوردارند اما غیر از کرامت ذاتی عام، انسان می تواند با اختیار خودش کرامت افزوده ای برای خود کسب کند.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: کرامت انسانی از موضوعاتی است که در اندیشه دینی بسیار مورد توجه بوده است. به مناسبت هفته حقوق بشر اسلامی و کرامت انسانی در این مورد گفتگویی با حجت الاسلام مهدی عبداللّهی، عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران انجام دادیم که مشروح آن را در ادامه می خوانید؛

کرامت از منظر لغوی

حجت الاسلام مهدی عبداللّهی، عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در مورد کرامت انسانی گفت: کرامت در لغت معانی مختلفی مانند شرافت، اصالت، سخاوت و بزرگواری، بزرگ منشی و ... را دارد. در زبان عربی به معنایی ضد لؤم به معنای پستی است. در معنای بخشش ضد بخل و نبخشیدن است.

وی افزود: به طور کلی می توان گفت کرامت یعنی ارزش وجودی داشتن. کریم هم که صفت است برای خداوند متعال و انسان و برخی از جانداران مانند اسب و برای اموری مانند کتاب استفاده می شود، لذا کریم، صفتی است که دلالت بر شرافت و نفیس بودن دارد و درباره مورد پسند و مورد رضایت بودن افراد به کار می رود، لذا وقتی می گوئیم خداوند کریم یعنی خداوندی که دارای صفات حمیده و پسندیده است، لذا ستایش می شود.

عبداللّهی در ادامه سخنانش اظهارداشت: انسان کریم یعنی انسان شرافتمند، با اصالت و بخشنده. کتاب کریم یعنی کتابی که مشتمل بر مفاهیم و معانی ارزشمند و بلندمرتبه است. کرامت دلالت بر ارزش و مرتبه وجودی می کند، چون موجودات همگی در یک مرتبه وجودی نیستند. دارایی ها و غنای وجودی واقعیات در یک مرتبه نیست. از پائین ترین موجودات (به تعبیر فیلسوفان اسلامی هیولای اولی) یا از یک جماد کم ارزش تا خداوند متعال که واجب الوجود و کامل مطلق هست و بالاتر از او کمالی قابل فرض نیست، مراتب مختلفی برای موجودات وجود دارد. می توان نحوه وجود و هستی واقعیتهای را از نگاه فلسفی کرامت آن دانست، به همین جهت خداوند متعال و واجب الوجود بالاترین مرتبه کرامت را دارد و ربّ کریم به تعبیر قرآن کریم است.

کرامت انسانی در برابر تلقی اومانیستی از انسان

وی با بیان اینکه کرامت انسان از زوایای مختلف و از منظر مکاتب و اندیشه ها و ادیان مختلف قابل بررسی است، اظهارداشت: به خصوص که در دنیای غرب نگرش اومانیستی وجود دارد (تعبیر به نگرش اومانیستی می کنم چون اومانیسم را نمی توان یک فلسفه و یا حتی مکتب دانست بلکه فراتر از مکتب و فلسفه است، نگرش بسیار عامی است که در بسیاری از نحله های فلسفی و مکاتب مختلف علوم انسانی وجود دارد) که شعار اصلی شان اصالت انسان است. قاعداً ادعایشان این است که برای انسان، ارزش و شرافت و کرامت خاص و بلندمرتبه ای قائل هستند، از این منظر هم می توان بحث کرد که نگرش اومانیستی به انسان و کرامت انسانی چگونه است. اما در این مجال می خواهیم به بحث کرامت انسانی از دیدگاه قرآن و روایات بپردازیم.

کرامت ذاتی و اکتسابی

این محقق با اشاره به اینکه در آیات قرآن کریم و آموزه های اسلام، دو گونه کرامت برای انسان مورد اشاره قرار گرفته است: یک کرامت ذاتی عام و دیگری کرامت اکتسابی خاص است، گفت: منظور از کرامت ذاتی این است که هر انسانی به ما هو انسان دارای کرامت است. در مقابل وقتی می گوئیم کرامت اکتسابی، کرامتی است که انسان خودش باید آنرا به دست بیاورد و به مقتضای آفرینش واجد این نوع کرامت و ارزش وجودی نیست. مقصودم از عام و خاص هم این است که در کرامت ذاتی، چون این کرامت عمومیت دارد و شامل همه افراد انسانی می شود. یک نوع کرامت نوعی است و اختصاص به نوع انسان دارد، لذا عمومیت دارد، برخلاف نوع دوم کرامت که نوع کرامتی اکتسابی است و عمومیت ندارد و تنها در افرادی از نوع انسانها پیدا می شود که با روشهایی که برای تحصیل این نوع کرامت وجود دارد این نوع کرامت را کسب کرده باشند.

کرامت از منظر قرآن

وی بیان کرد: آیات متعددی در قرآن کریم، دال بر کرامت ذاتی عموم انسانها دارد که به چند تا از این آیات اشاره می کنم. در سوره اسراء آیه ۷۰ خداوند می فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَنِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» خداوند می فرماید: ما نوع آدم را (انسانها) را کریم (بزرگ) داشتیم که ما نوع انسانی را بر بسیاری از مخلوقات برتری دادیم. در آیه ۱۴ سوره مؤمنون خداوند متعال وقتی مراحل خلقت انسان را از نطفه تا دمیده شدن و نفخ روح می فرماید و وقتی به مرحله آخر می رسند «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» پس از این مرحله می فرمایند: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» همان طور که قبل از آن فرموده بودند «أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ»، یعنی سنخ دیگری از خلقت در این مرحله به وجود می آید به خاطر مرتبه وجودی و بلندمرتبه و عالی بودن این مرتبه از خلقت، خداوند متعال به خودشان أحسن می فرماید و خودشان را برای این نحوه از خلقت می ستایند. یا در آیه ۴ سوره تین می فرمایند: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» [که] براستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم.»

این استاد حوزه و دانشگاه تصریح کرد: این آیات و آیات دیگری از این سنخ، اشاره به کرامت ذاتی عام انسانی دارد یعنی این دسته از آیات دلالت بر این امر دارند که خداوند انسان را به گونه ای آفرید که در مقایسه با بسیاری از مخلوقات و موجودات دیگر از لحاظ مرتبه و نوع وجود برتر از سایر موجودات است و از امکانات وجودی بیشتری برخوردار است. این امر به روح خاص انسانی بر می گردد که در همان آیه ۱۴ سوره مؤمنون که فرمود: «أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ». انسان به واسطه روح جاودانه و فراحویانی که دارد دارای استعدادها و ویژگیهایی است ازجمله دو ویژگی بسیار مهم عقل و اختیار، که این دو ویژگی در اکثر موجودات به این نحو وجود ندارد، لذا انسان به ما هو انسان به مقتضای خلقت و آفرینش دارای مرتبه ای از وجود است که در بسیاری از موجودات این مرتبه وجودی محقق نیست لذا انسان برتر از آنهاست.

وی افزود: قاعداً این نوع از کرامت به جهت اینکه اکتسابی نیست و خدادادی است لذا انسان به واسطه این نوع کرامت مستحق ستایش دیگران یا خودستایی نیست، یعنی هیچ انسانی نمی تواند به مقتضای این نوع کرامت فخر فروشی بکند یا خودش را مستحق ستایش بداند چرا که این نوع بهره مندی وجودی به اختیار خود انسان نبوده است به همین جهت هست که خداوند متعال وقتی انسان را آفرید، انسان را نستود و به انسان آفرین نگفت بلکه خالق انسان را که خود حق تعالی باشند مورد ستایش قرار دادند. پس این نوعی از کرامت انسانی است که ذاتی عام است.

حجت الاسلام عبداللّهی در ادامه سخنانش اذعان کرد: اما در قرآن کریم با آیات دیگری هم مواجه هستیم که مفادی متفاوت از دسته اول دارند. غیر از دسته اول آیات که کرامت نوع انسانی مطرح بود، دو دسته دیگر آیات هم وجود دارد که مفادشان کرامت اکتسابی انسان است و قاعداً آیاتی که مفادشان کرامت اکتسابی است مفادشان دو دسته است بعضی ها آیاتی هستند که اثبات کننده کرامت اکتسابی است یعنی مفادشان این گونه است که برخی از انسانها کرامتی مازاد بر کرامت ذاتی کسب می کنند. در مقابل آیاتی هستند که تعبیر بسیار تنیدی راجع به برخی از انسانها به کار می برند مثل آیه ۱۷۹ سوره اعراف که می فرماید: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ

هَمْ الْقَافِلُونَ» در این آیه بسیاری از انسانها پائین تر چهارپایان قرار داده شده اند. یا در آیه دیگری آمده است: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ: قطعاً بدترین جنبندگان نزد خدا کران و لالائی اند که نمی اندیشند»(آیه ۲۲ سوره انفال) یا شبیه همین آیه «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ: بی تردید بدترین جنبندگان پیش خدا کسانی اند که کفر ورزیدند و ایمان نمی آورند».(انفال/۵۵)

وی با بیان اینکه در این آیات خداوند پاره ای از انسانها را بدترین جنبندگان می‌شمارد، گفت: فرمایش خداوند متعال و آیات قرآن مثل سخنان ما انسانها که نیست در آن مبالغه و تعارف باشد خداوند بدون تعارف و بدون مبالغه خبر از واقعیتی می‌دهد که برخی از انسان‌هایی که اهل تعقل نیستند و کفر می‌ورزند و ایمان نمی‌آورند بدترین جنبندگان هستند. این انسانها همان انسانهایی هستند که خداوند در مورد آنها فرموده بود: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» پس چگونه در این آیات چنین تعبیری را به کار می‌برد. خداوند در سوره تین پس از آن که فرمود: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» می‌فرماید: «كَمْ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ: سپس او را به پست‌ترین [مراتب] پستی بازگردانیدیم *إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ: مگر کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند که پاداشی بی منت خواهند داشت.»

وی تأکید کرد: تعبیر کاملاً مخالف و متضادی با تعبیری که در سه آیه دسته نخست اشاره شده داشتیم در مورد انسان به کار بردند، «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَقَفَىٰ خُسْرًا»(عصر/۲) خسر با زیان تفاوت دارد. خسران، ضرری است که به قول بازاری‌ها به اصل سرمایه می‌خورد. در سوره عصر خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَقَفَىٰ خُسْرًا» با چندین تأکید می‌فرماید: همه انسانها در خسران هستند چون سرمایه اصلی و حیات دنیوی خود را که باید با آن سعادت اخروی و ابدی خود را تأمین کنند، لحظه به لحظه دارند از دست می‌دهند. همه انسانها در خسران هستند «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ: مگر کسانی که به حق تعالی گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده اند.»

این محقق و نویسنده کشورمان اظهارداشت: حاصل سخن آن که، دسته دوم و سوم آیات ناظر به کرامت اکتسابی است، یعنی غیر از کرامتی که همه انسانها به اقتضای آفرینش دارند. چون انسان دارای اختیار و اراده است افزون بر کرامت ذاتی خود می‌تواند ارزش و مرتبه وجودی خودش را بالاتر ببرد و کرامت مازاد و افزوده ای برای خودش کسب کند که اینها همان کسانی هستند که «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» یا اینکه با سوء اختیار خودش و با به کار گرفتن اختیار خودش در سیر نزولی بیاید آن انسانی که بر کثیری از مخلوقات برتری داده بود «كَثِيرٌ مِّمَّنْ خَلَقْنَا» به مرتبه ای برسد که پائین تر از چهارپایان شود. در اینجا می‌توان با استناد برخی از مباحث فلسفی مثل حرکت جوهری نفس نشان داد که این دست تعبیر قرآنی بیانات استعاری یا مبالغه‌آمیز نیستند، بلکه این تعبیر به درستی واقع نمایی دارند و خبر از متن واقعیت می‌دهند که برخی از انسانها واقعا به مرتبه ای پایینتر از چهارپایان می‌رسند.

عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران تصریح کرد: پس به طور کلی آیات قرآن کریم در مورد کرامت انسانی را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد: دسته اول بر کرامت ذاتی همه انسانها دلالت می‌کند. دسته دوم و سوم ناظر به کرامت اکتسابی انسانهاست که دسته ای از انسانها در اثر و در پرتو ایمان و عمل صالح و در یک کلام در پرتو عبودیت می‌توانند مرتبه وجودی خودشان را بالاتر ببرند. دسته سوم آیات ناظر به انسانهایی است که با سوء اختیار خودشان و با به کارگیری اختیار در مسیر نادرست و نزولی مرتبه وجودی خودشان را پائین تر می‌برند و پائین تر از موجوداتی می‌شوند که در ابتدای خلقت خداوند آنها را بالاتر از دیگران آفریده بود.

کرامت از منظر احادیث

وی در ادامه سخنانش با اشاره به احادیثی در مورد کرامت انسانی گفت: امام علی(ع) در غرالحکم می‌فرماید: «لَيْسَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ مِنَ التَّقْسِ الْمُطِيعَةِ لِأَمْرِهِ» در این روایت کلمه «اکرم» به کار برده شده است که از ماده کرامت است، حضرت می‌فرمایند: بر روی زمین هیچ موجودی کریم تر و بزرگوارتر و ارزشمندتر نزد خداوند متعال از انسانی که مطیع امر پروردگار باشد نیست. این تعبیر دیگری از آیه «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» است. انسانی که در مسیر ایمان و عمل صالح قرار گرفته است کرامت جدید و مازادی را کسب می‌کند.

وی افزود: در روایت جالب دیگری به نحوی کرامت اکتسابی را می‌توان مشاهده کرد، گرچه لفظ کرامت در آن به کار نرفته است. در بحارالانوار، جلد ۵۷، ص ۲۹۹ روایت شده که عبدالله بن سنان از امام صادق(ع) پرسیده که ملائکه برترند یا انسانها و امام پاسخ داد: امام علی(ع) فرمود: خداوند به فرشتگان فقط عقل داد بدون شهوات، در حیوانات شهوت بدون عقل آفریده و در انسانها عقل و شهوت را به هم آمیخته است. هر کسی که عقلش بر شهوتش غلبه کند از فرشتگان برتر و هر کسی که شهوتش بر عقلش غلبه کند از حیوانات پائین تر است.

کرامت، ارزش و اصالت و مرتبه وجودی یک موجود را نشان می‌دهد

عبداللهی در پایان سخنانش گفت: خلاصه کلام اینکه کرامت، ارزش و اصالت و مرتبه وجودی یک موجود را نشان می‌دهد و انسانها دو نوع کرامت ذاتی و اکتسابی دارند. کرامت ذاتی خاص همه انسانهاست و همه از یک مرتبه وجودی خاصی برخوردارند اما غیر از کرامت ذاتی عام، انسان می‌تواند با اختیار خودش کرامت افزوده ای برای خود کسب کند. در مقابل افرادی که از اختیار، استعداد و توانایی های وجودی که خداوند به آنها داده به درستی استفاده نکنند می‌تواند کاملاً برعکس مسیر پسرفت و نزولی را طی کند و به تعبیر قرآن کریم تا جایی پسرفت کند که پائین تر از چهارپایان و بدترین جنبندگان روی زمین شود.